

چالش‌ها و راهکارهای دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان با تأکید

بر کتاب‌های درسی از نظر دانشجویان

مظهر بابایی*^۱، اسرا زارع^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی چالش‌ها و راهکارهای دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر کتاب‌های درسی از نظر دانشجویان بود. برای دستیابی به هدف پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان - معلمان دانشگاه فرهنگیان استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۶۹ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بود. یافته‌ها در دو تم اصلی شامل چالش‌ها و راهکارها طبقه‌بندی شد که هر کدام شامل چندین مقوله بود. بر اساس یافته‌ها، چالش‌های دروس عمومی شامل چهار دسته: چالش‌های حوزه حرفه‌ای اساتید (در ۴ مقوله و ۳۴ مفهوم)، چالش‌های حوزه حرفه‌ای دانشجویان (در ۵ مقوله و ۳۱ مفهوم)، چالش‌های حوزه کتب درسی دانشگاهی دروس عمومی (در ۲۰ مقوله) و چالش‌های مرتبط با نقش دانشگاه در دروس عمومی (در ۳ مقوله و ۲۵ مفهوم) بود. همچنین، بر اساس یافته‌های پژوهش، راهکارهای کاهش چالش‌های دروس عمومی شامل راهکارهای مربوط به حوزه حرفه‌ای اساتید (در ۴ مقوله و ۴۴ مفهوم)، راهکارهای مربوط به حوزه حرفه‌ای دانشجویان (در ۴ مقوله و ۱۶ مفهوم)، راهکارهای مربوط به حوزه کتب درسی دانشگاهی دروس عمومی (در ۱۳ مقوله)، و سرانجام، راهکارهای مربوط به نقش دانشگاه در دروس عمومی (در ۴ مقوله و ۳۴ مفهوم) بود. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان داد که به منظور بهره‌وری هر چه بهتر در دروس عمومی دوره کارشناسی، لازم است اصلاحاتی در حوزه حرفه‌ای اساتید، دانشجویان، کتب درسی و در سطح دانشگاه انجام شود. از جمله این اصلاحات می‌توان به روز کردن روش تدریس اساتید، تلاش برای تغییر نگرش دانشجویان نسبت به دروس عمومی، تغییر اساسی در محتوای کتب دروس عمومی دانشگاهی، هماهنگی بیشتر مسئولین دانشگاه با اساتید و دانشجویان، و همچنین ارائه بازخوردهای مناسب به مؤلفین کتب درسی برای بهبود کیفیت کتاب‌ها و منابع اشاره کرد.

واژگان کلیدی: چالش‌های دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان، راهکارهای دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان، کتب درسی دانشگاهی.

۱. استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

(M.babaie@cfu.ac.ir)

۲. کارشناس علوم تربیتی، پردیس بنت‌الهدی صدر، دانشگاه فرهنگیان، کردستان، ایران.

Challenges and Solutions of General Courses of Farhangian University with Emphasis on Textbooks from the Students' point of view

Mazhar Babaie¹, Esra Zare²

Abstract

The aim of the current research was to identify the challenges and solutions of the general courses of Farhangian University with an emphasis on textbooks from the students' point of view. To achieve the goal of the research, the qualitative approach and content analysis methods of the descriptive type of written text were used. The field of research included 69 student-teachers of Farhangian University of Kurdistan province in the academic year of 2000-2001, who were selected using a purposeful method. The data collection tool was a researcher-made semi-structured interview. The findings were obtained in two main themes, including challenges and solutions, and each of them included several categories. The results showed that challenges of general courses were categorized into four main challenges: first, the challenge of the professional field of professors (in 4 categories and 34 concepts), second, the challenge of the professional field of students (in 5 categories and 31 concepts), The third was the challenge of university textbooks of general subjects (in 20 categories), and the fourth was the challenge of the role of universities in general subjects (in 3 categories and 25 concepts). Solutions to reduce the harms of general subjects were also presented in four main themes (12 categories) and 13 cases. First, solutions in the professional field of professors (in 4 categories and 44 concepts), second, solutions in the professional field of students (in 4 categories and 16 concepts), third, solutions in the content field of general course resources (in 13 categories), including: Revision of university textbooks and the structure of general courses and finally, solutions for the role of the university in general courses (in 4 categories and 34 concepts). In order to be as efficient as possible in general undergraduate courses, we need to make changes in the field of professors, students, textbooks and university officials. Among these changes are the updating of professors' teaching method, change of students' attitude, fundamental change in the content of university general course books and greater coordination of officials with professors and students, as well as giving back to the authors of textbooks in order to make these books more efficient.

Keywords: Curriculum challenge, students, Farhangian University, general courses, curriculum solutions, university textbooks.

-
1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author): (M.babaie@cfu.ac.ir)
 2. Bachelor of Educational Sciences, Faculty of Bint Al-Hoda Sadr, Farhangian University, Kurdistan, Iran

مقدمه

آموزش عالی در قرن بیست‌ویکم فضای باز آموزش و یادگیری را در طول زندگی، به عنوان فرصتی برای رشد فردی و تحرک اجتماعی، به منظور آموزش برای شهروندی کامل، با چشم‌انداز جهانی و مشارکت فعال در جامعه، برای ظرفیت‌سازی درون‌زا، تحکیم حقوق بشر، دموکراسی و صلح فراهم می‌کند (کنفرانس جهانی آموزش عالی^۱، سوئد، ۱۹۹۸).

در کنار آموزش و تربیت تخصصی، آموزش عمومی نیز جایگاه خود را در آموزش‌های دانشگاهی (در دوره‌های کاردانی و کارشناسی) حفظ نموده است و البته بین برنامه‌های درسی آموزش عالی با عبارات‌های متفاوتی همچون «برنامه پایه مشترک»، «برنامه مهارت‌های اساسی» و آموزش عمومی مطرح می‌شود. در هر صورت، این بخش از برنامه درسی و به ویژه محتویات آن که شامل کتب درسی دانشگاهی است، به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر و عنصر اساسی از برنامه درسی آموزش عالی در نظام‌های مختلف شناخته شده است. در کشور ایران، همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ملزم هستند که برنامه درسی عمومی را در مقطعی خاص به دانشجویان ارائه دهند و دانشجویان نیز موظف به گذراندن این دروس هستند (عارفی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۸). بدون تردید محتویات درسی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، در توفیق یا شکست این دروس، نقش کلیدی ایفا می‌کنند؛ یعنی محتوای کتب درسی دانشگاهی، برنامه‌های درسی آینده تمام‌نمای میزان پیشرفت و انعکاسی از پاسخ‌گو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند. با توجه به چنین اهمیتی باید میزان توجه به آن‌ها را افزایش داد و حتی الامکان با در نظر گرفتن نتایج ارزشیابی دانشجویان تلاش لازم را برای بررسی، اصلاح و تغییرشان در دستور کار قرار داد (فتحی و اجارگاه و شفیعی، ۱۳۸۶: ۳).

در نظام آموزش عالی کشور دروس رشته‌های مختلف تحصیلی در دو دسته اصلی عمومی و اختصاصی ارائه می‌شود. در دروس عمومی که بین غالب رشته‌ها یکسان است به جهت دهی باورها، رفتارسازی و اندیشه‌پروری دانشجویان در حوزه‌های عمومی زندگی توجه می‌شود. غالب این واحدها باهدف تعمیق اندیشه‌ها و باورهای دینی طراحی شده‌اند، هرچند واحدهای درسی دیگر به حوزه‌های تشکیل خانواده، تربیت بدنی و سواد عمومی در زبان فارسی و خارجی مربوط می‌شوند. در کنار درس‌های عمومی، بیشتر واحدهای

درسی دانشجویان دروسی هستند که با رشته تخصصی آن‌ها ارتباط کامل دارد رسالت این درس‌ها تحصیل و تعمیق آگاهی‌ها و مهارت‌های تخصصی دانشجویان در رشته تخصصی آنان است (مصر آبادی و همکاران؛ ۱۳۸۹: ۵۷). در تعریف می‌توان دروس عمومی برنامه درسی آموزش عالی را به عنوان بخش رسمی از آموزش دوره کارشناسی تلقی کرد که در کنار درس‌های تخصصی به همه دانشجویان به طور مشترک ارائه می‌شود (کانرد، ۱۹۸۷؛ به نقل از عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). البته برخی دروس در دانشگاه‌ها به صورت اختیاری قرار داده می‌شوند که به دانشجویان این اجازه را می‌دهد تا به دلخواه خود آن‌ها را انتخاب کنند. دروس عمومی به درس‌هایی گفته می‌شود که میان همه دانشجویان صرف‌نظر از رشته تحصیلی‌شان مشترک است و به منظور افزایش اطلاعات عمومی و مورد نیاز، موظف به گذراندن آن تا پایان طول تحصیلاتشان هستند که شامل دروس: اندیشه اسلامی ۱ و ۲، انقلاب اسلامی ایران، اخلاق خانواده، آیین زندگی، تفسیر موضوعی اسلام، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، دانش خانواده و جمعیت، فارسی عمومی، زیان عمومی، تربیت بدنی، ورزش ۱، ۲ و ۳ و آشنایی با دفاع مقدس می‌شوند (آریانی؛ ۱۳۹۶: ۴) نیاز بیش از پیش دانش‌آموختگان به اطلاعات و مهارت‌های عمومی، توانمندی در دسترسی به اطلاعات، برقراری ارتباطات مؤثر، تجزیه و تحلیل مسائل و ارائه راه‌حل‌ها، تفکر خلاق و شناسایی محیط ملی و بین‌المللی ضرورت وجود دروس عمومی دانشگاه‌ها را تبیین می‌نماید (قاسم‌پور و همکاران؛ ۱۳۹۴: ۲۵).

از یک منظر و بر اساس سرفصل این دروس در وزارت علوم، دروس عمومی در دانشگاه فرهنگیان، دروسی هستند که قرار است از منظر دینی باعث شکل‌گیری نگرش و بینش اعتقادی، عبادی، اخلاقی، از منظر منطقی، باعث شکل‌گیری مهارت تشخیص، استدلال‌آوری و استدلال‌خواهی و قدرت تصمیم‌گیری و از منظر اجتماعی و انسجام ملی، باعث ایجاد وحدت بین دانشجویان شوند. از دیگر سو، دروسی برای دانشجویان ارائه می‌شود تا با توجه به مطالب کتاب‌های درسی دانشگاهی و در راستای درک و عملیاتی نمودن اهداف این محتوا، دانشجویان به عنوان شهروندانی مؤثر در جامعه خود حاضر شوند؛ اما تا به حال کمتر نظر آن‌ها مورد توجه و تمرکز برنامه‌ریزان، نویسندگان و متخصصان تدوین و تألیف کتب درسی دانشگاهی قرار گرفته است. دانشجویانی که امروزه خود متأثر از منابع متعدد اطلاعاتی بوده و با نسل‌های قبلی متفاوت‌اند. لذا بایسته است که همواره نظرات آن‌ها نیز در این زمینه لحاظ گردد.

با توجه به آنچه گفته شد، دروس عمومی در آموزش عالی کشور و به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان، دروس مهمی برای آموزش مهارت‌های زندگی، دینی، بدنی، اعتقادی و فرهنگی به دانشجو معلمان هستند؛ با وجود این، در حال حاضر این دروس به‌ویژه منابع و کتاب‌های این دروس، در این دانشگاه با چالش‌هایی مواجه هستند. به گفته کریمی و شریف (۱۳۹۳) آموزش عالی کشور در رعایت ملاحظات از جمله تأکید بر کیفیت محتوای کتب درسی دانشگاهی به جای کمیت آن، ارائه محتوای منعطف و متنوع، تناسب محتوا با هدف پرورش یادگیرنده مادام‌العمر، تناسب محتوا با نیازهای جامعه، حمایت از استاد برای تغییر محتوا، استفاده از سایر منابع یادگیری در کنار کتاب درسی و مشارکت دادن دانشجو معلمان در انتخاب محتوا، با چالش روبه‌روست. شیردل و همکاران (۱۴۰۱): (۱) نیز همسو با آن‌ها، بر اهمیت انکارناپذیر اصیل نویسی در نگارش علمی دانشگاهی و ضرورت آموزش مبتنی بر ملاک‌های آن صحنه می‌گذارند. آموزش و ارزشیابی متون پژوهشی مبتنی بر ملاک‌ها و نشانگرهای شناسایی شده، می‌تواند در بهبود کیفیت نگارش علمی دانشگاهی مفید واقع شود. لذا با توجه به تغییراتی که امروزه در فضای آموزش عالی در جریان است، ارتقای کیفیت نگارش علمی کتب درسی دانشگاهی در دانشگاه فرهنگیان، یکی از اهداف عمده و اصلی نظام آموزشی و یکی از دغدغه‌های اصلی اعضای هیئت علمی این دانشگاه‌ها و دانشجویان آن به شمار می‌آید. برای این امر، لازم است سطوح کیفی ویژگی‌های آن شناخته شوند و تمرین‌های مستمر و دقیق برای کسب و ارتقای توانمندی‌ها از طریق خودارزیابی، ارزیابی همگنان و متخصصان این حوزه انجام شود، زیرا اصالت نگارشی، از مهم‌ترین ویژگی‌های نگارش علمی کتب درسی دانشگاهی است.

عزیزی و همکاران (۱۳۹۵: ۱) بیان داشته‌اند که وضعیت موجود دروس عمومی از لحاظ عناصری همچون محتوای درسی، روش تدریس و ارزشیابی موجود درسی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، در مورد عنصر هدف موجود دروس عمومی، دیدگاه دانشجویان بر سطح متوسط و دیدگاه اساتید بر سطح مطلوب دلالت دارد. گودرزی و دهقان قهفرخی (۱۳۹۹: ۴۷) به این نتیجه رسیدند که موضوع دروس تربیت بدنی عمومی و اجرای اثربخش آن‌ها رفته‌رفته نزد محققان کم‌رنگ‌تر شده و باوجود رشد زیاد پایان‌نامه‌ها، نشریات و همایش‌های تربیت بدنی، نسبت کمتری از تحقیقات حوزه مدیریت ورزشی را در مقایسه با گذشته به خود اختصاص داده و چه بسا منابع قدیمی بهتر و جامع‌تر به این موضوع پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد، رشد و توسعه کمی و کیفی رشته تربیت بدنی و

تحصیلات تکمیلی در سال‌های اخیر در کنار کم‌توجهی وزارت علوم و دانشگاه‌ها به اهمیت و جایگاه ورزش و درس تربیت بدنی، اساتید و محققان برتر را از این حوزه غافل کرده است. همچنین فیروزی (۱۳۹۴، ص ۱۵۱) بیان داشت که مقاله در حوزه استاد، بیانگر ضرورت بازخوانی جایگاه استادان معارف برای حفظ نقش استادی در دانشگاه به دو اعتبار آموزش و تربیت پژوهش‌محور است. در حوزه محتوا، توجه به هماهنگی عرضی و طولی میان دروس، لزوم بازخوانی عناوین و سرفصل‌ها و داشتن خروجی قابل مشاهده و ارزیابی در میان مدت و ترتیب ارائه آن‌ها در طول سنوات تحصیل است. امیدی و همکاران (۱۳۹۵: ۲۱۷) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که وضعیت محتوای کتب درسی و برنامه درسی دانشگاهی در حد متوسط، شیوه‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی کمتر از حد متوسط است. از این رو توجه به راهکارهایی مانند ۱. بازنگری و به‌روز کردن محتوا؛ ۲. برقراری ارتباط عمودی و افقی بین محتوا؛ ۳. استفاده اساتید از شیوه‌های جدید تدریس؛ ۴. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی؛ ۵. استفاده از روش خود ارزشیابی؛ ۶. ترغیب دانشجویان به اجرای کارهای پژوهشی، می‌تواند کیفیت بخش برنامه درسی دروس معارف اسلامی باشد. روحانی و فرهنگ جو (۱۳۹۵: ۱۱۴) در رابطه با کتب درسی دانشگاهی زبان انگلیسی عمومی بیان کردند که در نتایج ارزیابی محتوا، علاوه بر منعکس کردن قوت‌ها و ضعف‌های این کتاب، پیشنهادهایی برای اصلاح و بهبود محتوا متناسب با اهداف تعیین شده و اصول علمی بیان شد. در واقع، نتایج این ارزیابی نشان داد که قسمت‌های مختلف محتوای زبانی، دستور زبان، کلمات، تمرین‌ها و فعالیت‌ها و ظاهر کتاب برای بهبود سطح آموزشی نیاز به بازنگری و تدوین دوباره دارند. سرانجام، آخوندی و همکاران (۱۳۹۱: ۱) معتقد است که دانشجویان نقش این دروس به‌ویژه در مورد کتب درسی دانشگاهی در شاخص دانشی و افزایش آگاهی و دانش خود نسبت به نقش این دروس در شاخص اعتقادی و بهبود مبانی اعتقادی خود را بهتر ارزیابی کرده‌اند و مهم‌ترین چالش‌های موجود در راه تحقق اهداف این دروس را عوامل فرهنگی دانسته‌اند و در مقابل اساتید عامل محتوا و عامل انسانی را مهم‌تر ارزیابی کرده‌اند. همچنین اساتید مهم‌ترین چالش‌ها در راه تحقق اهداف این دروس را در چهار عامل نقش دانشجویان، اساتید، دانشگاه و محتوای کتب‌های درسی دانشگاهی عنوان داشتند. جعفری هرنندی و بهرامی (۱۴۰۱) در تحقیق خود عنوان کردند که برنامه درسی در درس عمومی اخلاق اسلامی مشکلاتی مانند قدیمی بودن رویکردها و نپرداختن به علمای معاصر اخلاق، کسب تجربه سطحی و عمیق نبودن دانش‌ها و گرایش‌های کسب‌شده وجود دارد.

ولادیمیر کارگون^۱ و مری بالدوین کالج^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود بیان کرده‌اند که مشکلات درس شیمی عمومی در دوره کارشناسی معمولاً با سه عامل مرتبط هستند: ماهیت التقاطی محتوای درسی، عدم سازمان‌دهی منطقی مباحث شیمی ارائه‌شده در کتاب‌های درسی، همچنین دانش آموزان، علایق و سطح آمادگی آن‌ها. کوان لی^۳ (۲۰۱۸) مفاهیم آموزشی را در مقاله خود مطرح می‌کند که از این قرارند: (۱) مفهوم آموزش عمومی را روشن کنید. (۲) یک سیستم برنامه‌ی درسی جدید انگلیسی بسازید. (۳) دانش آموزان را برای درک آخرین اطلاعات راهنمایی کنید. (۴) دانش آموزان را برای رشد توانایی عملی راهنمایی کنید. (۵) دانش آموزان را برای درک فرهنگ کشورهای دیگر راهنمایی کنید. (۶) انواع روش‌های تدریس را در نظر بگیرید. (۷) اصلاح مواد آموزشی انگلیسی.

جمع‌بندی نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که اکثر پژوهشگران در پژوهش‌های خود تنها یک درس خاص از میان دروس عمومی دانشگاهی را مورد توجه قرار داده و به کلیت دروس عمومی به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان توجه نکرده‌اند. لذا پرداختن بیشتر و عمیق‌تر به برنامه‌ی اجراشده دروس عمومی در میان دانشجویان دانشگاه فرهنگیان که خود در آینده وظیفه تربیت فرزندان این سرزمین را به عهده دارند، به‌ویژه در حوزه کتب درسی دانشگاهی، می‌تواند نتایج و اطلاعات مفیدی برای بازنگری این دروس فراهم کند. با توجه به اینکه تاکنون مطالعات در این باره پراکنده بوده است و هر کدام تنها از جنبه خاصی آن را در نظر گرفته‌اند و البته دروس عمومی در دانشگاه فرهنگیان، مدنظر نبوده است، از همین رو، پژوهشگران در این پژوهش قصد دارند تا مطالعه‌ای منسجم درباره‌ی چالش‌های دروس عمومی در دانشگاه فرهنگیان و راهکارهای برطرف کردن این چالش‌ها از نگاه دانشجویان معلمان انجام دهند. هرچند چالش‌های دروس عمومی دانشگاهی، با توجه به تنوع کتب درسی دانشگاهی و منابع معرفی‌شده به دانشجویان این دانشگاه، یکسان نیست و البته تفاوت نگرش هر درس نسبت به دیگری، متفاوت است؛ اما پژوهش کنونی بررسی دیدگاه دانشجویان معلمان نسبت به دروس عمومی با تأکید بر منابع و کتب درسی دانشگاهی در این دانشگاه است.

در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌های دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان از نظر دانشجویان و ارائه راهکار مناسب برای آن است. به منظور رسیدن به این

1. Vladimir GARKOV
2. Mary Baldwin College
3. Qun Li

اهداف، دو سؤال اصلی مطرح گردید: (۱) چالش‌های دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان از نظر دانشجویان کدام است؟ (۲) راهکارهای کاهش چالش‌های دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان از نظر دانشجویان چیست؟

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به هدف و سؤالات روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده شد. میدان پژوهش، شامل دانشجو - معلمان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۶۹ نفر از آن‌ها (۳۹ دختر و ۳۰ پسر) به عنوان نمونه انتخاب شدند. ملاک انتخاب دانشجویان، قبول شدن در حداقل ۱۵ واحد از دروس عمومی، پاس نمودن دو درس تحلیل محتوای کتب درسی ۱ و ۲ در دانشگاه فرهنگیان، داشتن تمایل و اختیار به مشارکت در مصاحبه و داشتن شناخت نسبی از اهداف و چشم‌اندازهای دروس عمومی دانشگاهی بود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بود. تعداد ۴۹ نفر از دانشجویان به صورت حضوری و ۲۰ نفر به صورت مجازی به سؤالات مصاحبه جواب دادند. مصاحبه تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری در داده‌ها حاصل شد. محتوای مصاحبه‌ها به روش کدگذاری باز و محوری مورد تحلیل قرار گرفت.

روند کار شامل دو گام اصلی و چند گام فرعی بود: گام نخست، شامل تدوین ادبیات و پیشینه پژوهش و آماده نمودن مصاحبه‌نامه و شناسایی دانشجویان با ملاک‌های سه‌گانه بود. گام دوم، انجام و اجرای مصاحبه در خصوص موضوع پژوهش (چالش‌های دروس عمومی دانشگاهی از نظر دانشجو - معلمان) بود. در گام سوم و بعد از اتمام مصاحبه‌ها، تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها شروع شد. این گام، بعد از پیاده‌سازی و مطالعه و بازنگری چندباره متن مصاحبه‌ها، شامل توصیف، دسته‌بندی و تحلیل راهکارهای ارائه‌شده توسط دانشجو-معلمان، برای کاهش چالش‌های آموزشی این دسته از دروس بود. در گام آخر، یافته‌ها در دو تم اصلی و کلی چالش‌ها و راهکارها و هرکدام شامل چند مقوله و مفهوم، دسته‌بندی نهایی شدند. چالش‌های دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان در دو گام اصلی چالش‌ها و راهکارها حاصل شدند: چالش‌ها در چهار دسته اصلی حاصل شدند. چالش اول، چالش‌های حوزه حرفه‌ای اساتید در ۴ مقوله و ۳۴ مفهوم، چالش دوم، چالش‌های حوزه حرفه‌ای دانشجویان در ۵ مقوله و ۳۱ مفهوم، چالش سوم، حوزه کتب

درسی دانشگاهی دروس عمومی در ۲۰ مقوله و چالش چهارم، چالش‌های مرتبط با نقش دانشگاه در دروس عمومی در ۳ مقوله و ۲۵ مفهوم. راهکارها نیز مطابق با چالش‌ها، در چهار تم اصلی و هر تم در چند مفهوم دسته‌بندی شده‌اند: نخست، راهکارهای مربوط به حوزه حرفه‌ای اساتید در ۴ مقوله و ۴۴ مفهوم. دوم، راهکارهای مربوط به حوزه حرفه‌ای دانشجویان در ۴ مقوله و ۱۶ مفهوم. سوم، راهکارهای حوزه، راهکارهایی مربوط به حوزه کتب درسی دانشگاهی دانشگاه فرهنگیان در ۱۳ مقوله. و سرانجام راهکارهای مربوط به نقش دانشگاه فرهنگیان در افزایش کیفیت دروس عمومی در ۴ مقوله و ۳۴ مفهوم.

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش و دقیق بودن یافته‌ها، اقدامات زیر انجام گرفت:

۱) بازنگری و بازنندیشی چندباره داده‌ها در پژوهش توسط پژوهشگران: پژوهشگران مدت زیادی را صرف بازنگری متن مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای پاسخ‌های ارائه‌شده در این پژوهش کرده و تا حد امکان تلاش شده تا سوگیری و پیش‌داوری پژوهشگران کنترل شود. ۲) تطبیق توسط اعضا: در تبیین بخش‌هایی از روند کار، بعد از پیاده‌سازی و دسته‌بندی عوامل و راهکارها، گزارش نهایی فرایند تحلیل و مقوله‌های به‌دست آمده برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان ارسال می‌شد و یا به صورت حضوری، مطالب به اطلاع آن‌ها، می‌رسید. ۳) بررسی همکار: بهره بردن از نظر چند نفر از همکاران متخصص، در این زمینه.

یافته‌های پژوهش

الف) شناسایی چالش‌های پیش روی دروس عمومی از نظر دانشجویان دانشگاه فرهنگیان. بر اساس یافته‌های پژوهش، چالش‌های دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان به شرح زیر است:

۱. چالش‌های مربوط به حوزه حرفه‌ای اساتید:

با توجه به آنچه دانشجویان بیان کردند چالش‌هایی که در حوزه حرفه‌ای اساتید بر کیفیت دروس عمومی تأثیرگذارند شامل روش تدریس اساتید، سطح علمی و دانش آنان، تعامل بین استاد و دانشجو و نحوه برگزاری کلاس بودند.

چالش‌ها و راهکارهای دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان با تأکید ... ۱۸۳

جدول ۱ چالش‌های دروس عمومی مربوط به حوزه حرفه‌ای اساتید

مفهوم	مقوله	تم
بهره‌وری از شیوه‌های تدریس قدیمی و یکنواخت در تدریس.	روش تدریس	چالش‌های مربوط به حوزه حرفه‌ای اساتید
استادمحوری و عدم توجه به نقش دانشجویان.		
عدم توجه به استعداد های گوناگون، تفاوت‌های فردی و روش‌های یادگیری متنوع برای دانشجویان.		
تدریس سطحی اساتید و عدم ایجاد شوروشوق در دانشجویان.		
عدم ماندگاری دروس عمومی در ذهن به دلیل شیوه‌های نامناسب تدریس.		
تنها آموزش نظری مطالب به‌جای تدریس.		
آموزش صرف نظری مطالب و کم‌توجهی به کاربرد محتواها.		
تدریس محتوا به صورت سریع و بدون اختصاص وقت کافی.		
تدریس در سطوح پایین شناختی و تأکید بر حافظه محوری.		
عدم آشنایی اساتید حق‌التدریس با کلاس داری و روش تدریس.		
عدم توانایی برخی اساتید در ارائه‌ی مناسب موضوعات دروس و پاسخگویی به سؤالات دانشجویان.	سطح علمی و دانش اساتید	
به‌روز نکردن اطلاعات و استفاده از اطلاعات قدیمی.		
عدم به‌کارگیری اساتید متخصص در این دروس.		
بیان نکردن ارزش و هدف مطالب آموزشی به دانشجویان توسط استاد.		
بی‌اهمیت جلوه دادن دروس عمومی توسط برخی از اساتید.		
کم‌کاری برخی از اساتید در تدریس و موکول نمودن اکثر مطالب به عهده دانشجویان.		
تلقی دروس عمومی هم‌سطح دروس تخصصی.		
بی‌انگیزگی برخی از اساتید در تدریس دروس عمومی.		
دیدگاه جانب‌دارانه و تک‌بعدی اساتید به کتاب‌های عمومی.		

ادامه جدول ۱

مفهوم	مقوله	تم
تدریس دروس توسط اساتید غیر تخصصی.	تعامل بین استاد و دانشجو	
نگاه غیر علمی استادان در ارزشیابی دروس عمومی.		
توجه نداشتن به ضرورت کیفیت مطالب تدریس به نسبت کمیت آن در امر یاددهی.		
اهتمام ناکافی در ارائه و انتخاب منبع درسی.		
اختصاص دادن اوقات بی کیفیت (بعد از ظهرها و آخر وقت) اساتید حق التدریس به آموزش دروس عمومی.		
عدم استفاده از دانشجویان در بیان تجارب خود در بعضی دروس مربوطه.		
عدم جذابیت کلاس برای دانشجو به علت جدیدیتها سخت گیری های زیاد استاد.		
عدم آشنایی اساتید با سطح و تنوع علایق دانشجویان.		
اجتناب استاد از یادگیری نکات جدید از دانشجویان به علت پیش رفتن مطابق چارچوب منبع درسی.		
عدم دسترسی به اساتید در خارج از وقت کلاس.		
خوش خلق نبودن اساتید با همه دانشجویان.	نحوه برگزاری کلاس	
عدم بازدهی برخی کلاس های عمومی به علت برگزار شدن آنها به صورت صرفاً صوری.		
استمرار کلاس ها به صورت خسته کننده، طولانی و بی روح.		
بی نظمی اساتید حق التدریس به جهت شاغل بودن در جای دیگر و عدم وجود تعهد لازم به برگزاری کلاس ها.		

مصاحبه شونده شماره ۳ در رابطه با چالش های حوزه حرفه ای اساتید اشاره می کند: «در بعضی از دروس استادان با سخت گیری های نابجا باعث دور کردن دانشجو از خود و کلاس می شوند». همچنین مصاحبه شونده شماره ۹ می گوید: «عدم اهمیت برخی اساتید و بی اهمیت جلوه دادن این دروس و عدم اهمیت و بی توجهی به نظرات دانشجویان از چالش های این دروس هستند».

۲. چالش های مربوط به حوزه حرفه ای دانشجویان:

جدول ۲ چالش‌های مربوط به حوزه حرفه‌ای دانشجویان

مفهوم	مقوله	تم
اثربخشی کم دروس عمومی در زندگی دانشجویان.	کاربردی نبودن محتوای دروس در زندگی دانشجو	چالش‌های مربوط به حوزه حرفه‌ای دانشجویان
عدم آموزش مهارت‌های زندگی به دانشجویان توسط این دروس.		
متناسب نبودن مطالب برای دانشجو بر اساس سن و شرایط آن‌ها.		
همخوانی نداشتن محتوای این دروس با سبک زندگی و عقاید دانشجویان.		
عدم تطابق با پاسخگویی به نیازها و دوری از واقعیت‌های اجتماعی دانشجویان.		
بی‌مبالاتی دانشجو به دروس عمومی به عنوان دروس فرهنگ‌ساز.		
ارتباط کم محتوا و مطالب دروس عمومی با پایه و زیرساخت سایر دروس تخصصی و اصلی رشته.	همخوانی/همسویی دروس با رشته تخصصی دانشجویان	
یکسان بودن دروس عمومی در مواجهه با تنوع رشته‌های مختلف دانشگاهی.		
عدم لحاظ پیش‌نیازی برخی از دروس عمومی دبیرستان با دروس ترم‌های اولیه دانشگاهی	ذهنیت دوران قبل از دانشگاه دانشجویان از دروس عمومی	
یکسان بودن بخشی از موضوعات دروس عمومی در دوران مدرسه و دانشگاه.		
ارزیابی فقط بر اساس آزمون کتبی پایان‌ترم.	نقش تکالیف، امتحان و نمره	
مانع افزایش معدل نهایی به علت پایین بودن ضرایب دروس عمومی در معدل کل دانشجویان.		
معیار نبودن میزان نمره در دروس عمومی در نگره دانشجویان.		
سنجش و ارزشیابی پایانی متمرکز بر حافظه محوری		
عدم درخواست انجام تکالیف و فعالیت‌هایی شامل کاوشگری و جستجوگری و تحقیق.		
شب امتحانی و سرسری گرفتن دروس عمومی از طرف دانشجویان.		

ادامه جدول ۲

مفهوم	مقوله	تم
معطوف کردن توجه دانشجویان به صرف منابع معرفی شده توسط استاد.	انگیزه، نگرش و ذهنیت دانشجویان	
محدود کردن دایره تفکرات دانشجو به یک رشته حوزه‌های مشخص در کلاس درس.		
دیکنه‌شان بخش عظیمی از دروس عمومی به دانشجویان بدون ایجاد درکی عمیق از آن‌ها.		
نبود تجربه یادگیری فعالانه.		
بی‌رغبتی دانشجو برای شرکت در کلاس‌های عمومی.		
ساده جلوه داده شدن دروس عمومی توسط دانشجو.		
در اولویت اصلی نبودن این دروس در مقایسه با سایر درس‌ها برای دانشجویان.		
هدف دانشجو از اخذ دروس عمومی نه یادگیری، بلکه کسب نمره و گذراندن آن است.		
نبود انگیزه درونی و بیرونی در یادگیری از سوی دانشجویان.		
خودداری از پرسش به خاطر طولانی بودن مباحث کلاسی.		
کاهش فرصت یادگیری در دروس تخصصی به علت حجم بالا دروس عمومی.		
درونی نشدن مطالب دروس عمومی.		
جدید دروس عمومی مانند دروس اختصاصی توسط دانشجو.		
داشتن تأثیر کم در ایجاد نگره و افزایش سطح سواد دانشجویان.		

مصاحبه‌شونده شماره ۴ در رابطه با چالش‌های مربوط به حوزه حرفه‌ای دانشجویان می‌گوید: «نقش کم محتوای دروس عمومی در افزایش اطلاعات و معلومات عمومی، به‌روز نبودن دروس و نداشتن اثربخشی یا اثربخشی کم دروس عمومی از چالش‌های بر سر راه این دروس هستند». همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ اشاره می‌کند: «بی‌تأثیر بودن

بسیاری از مطالب دروس عمومی در زندگی فرد از مشکلات این دروس است». ۳. چالش‌های مربوط به حوزه محتوای کتب درسی و منابع دروس عمومی یکی از عواملی که دروس عمومی را آسیب‌زا می‌کند، منابع و کتب این دروس است. مصاحبه‌شونده شماره ۶ می‌گوید: «مطالب دروس عمومی بسیار پیچیده است و حجم کتاب‌های درسی دروس عمومی بیش از اندازه زیاد است.» همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۶ «تکراری بودن اطلاعات دروس عمومی» را از مشکلات این دروس می‌داند.

جدول ۳ چالش‌های دروس عمومی مربوط به حوزه محتوای کتب درسی و منابع دروس عمومی

مفهوم	مقوله
چالش‌های مربوط به حوزه محتوای کتب درسی و منابع دروس عمومی	بالا بودن سطح مطالب و حجیم بودن کتاب‌ها، عامل ایجاد ابهام، ابهام و خستگی برای دانشجو. عدم مطابقت اهداف دروس با محتوای تعیین شده. نقش کم محتوای دروس عمومی در افزایش اطلاعات و معلومات عمومی. به‌روز نبودن دروس. پیچیده بودن مطالب. تشابه زیاد بین مطالب و تکراری بودن در مقاطع مختلف. عدم تعیین اهداف مشخص برای برخی از دروس. خسته کننده بودن این دروس از نظر دانشجویان. پراکندگی مطالب دروس عمومی. تعدد زیاد دروس عمومی بدون داشتن تنوع در آن‌ها. بی‌طرف نبودن و غیرعلمی بودن مطالب. گاهی حاوی اطلاعات غلط بودن مطالب. افراط در مورد بعضی مسائل. عدم جامعیت دروس عمومی. ناسازگاری با برخی از عقاید دانشجویان اقلیتی. وجود تعارض بین مطالب برخی از دروس و مسائل فرهنگی جامعه. عدم ایجاد تفکر خلاق و مهارت‌گرایی در دانشجویان. پایین بودن سطح محتوای دروس عمومی از نظر علمی و آموزشی. بیان نقدهای ساده در مورد دیدگاه‌های پیچیده علمی. جذابیت کم دروس عمومی و مفید نبودن آن‌ها.

۴. چالش‌های مربوط به حوزه نقش دانشگاه در دروس عمومی

جدول ۴ چالش‌های مربوط به حوزه نقش دانشگاه در دروس عمومی

مفهوم	مقوله	تم
فراهم نبودن استفاده از فناوری‌های روز در تدریس مطالب دروس عمومی.	چالش‌های نقش فناوری	چالش‌های مربوط به حوزه نقش دانشگاه در دروس عمومی
وجود مشکل فنی و ابزاری و یا عدم تسلط اساتید در استفاده از فناوری‌ها در تدریس این دروس.		
زیاد بودن تعداد دروس معارف و سایر دروس عمومی.	چالش‌های انتخاب واحد	
عدم توجه به علاقه‌مندی دانشجویان در انتخاب دروس.		
نامتناسب بودن ساعات اختصاص یافته به بعضی از دروس با حجم آن درس.		
در نظر نگرفتن آموخته‌های جوانان در مقطع پایین‌تر توسط برنامه‌ریزان.		
ارائه شدن به شکل خود خوان در دانشگاه‌ها.		
ارائه شده صرفاً برای به حد نصاب رساندن واحدها.		
یجاد تداخل و تراحم میان موضوع‌های زیاد برخی دروس عمومی.		
عدم اختیار دانشجو در انتخاب میان دروس عمومی.		
وجود محتوای مشابه در کتب مختلف		
هزینه‌بر بودن در دانشگاه‌های شهریه پرداز.		
عامل دیر اخذ نمودن واحدهای تخصصی توسط دانشجویان.		
ارائه دروس نظری صرفاً به صورت نظریه و بدون کار عملی.		
افزایش دوره ترمی دانشگاه.		
تعدد زیاد دانشجویان در کلاس درس.	چالش‌های مربوط به حوزه تداخل کلاس‌ها به علت تعریف پشت سرهم آن‌ها.	
حرفه‌ای مسئولان بی‌اهمیتی و کم‌توجهی بسیاری از مسئولان دانشگاه نسبت به دروس عمومی.		
ذهنیت نادرست مدیران اجرایی نسبت به دروس عمومی.		
عدم استخدام عضو هیئت علمی برای ارائه‌ی دروس عمومی.		
ساعت‌های نامناسب تعیین شده برای دروس عمومی		
در حاشیه قرار دادن این دروس نسبت به دروس تخصصی		
عدم نیازسنجی از دانشجویان در تهیه محتوا آموزشی دروس عمومی.		
بخش ناموزون واحدها در طول ترم‌های تحصیلی		
حضور دانشجویان رشته‌های مختلف در یک کلاس.		

به عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ در رابطه با چالش‌های حوزه نقش دانشگاه در دروس عمومی می‌گوید: «عناوین دروس معارف بسیار زیاد شده است همچنین دروس عمومی نسبت به دروس اختصاصی تأثیر کمتری دارد و باید بیشتر در دانشگاه دروس اختصاصی تدریس شود تا میزان تأثیر دانشگاه بر روی جوانان و جامعه بیشتر شود و همچنین می‌توان گفت تعداد دروس عمومی نسبتاً زیاد است و اگر تعداد دروس عمومی کمتر بود بهتر است». همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ اشاره می‌کند که «تعداد زیاد دانشجو در یک کلاس» کارایی دروس عمومی را کاهش می‌دهد.

ب) راهکارهای کاهش چالش‌های مترتب بر دروس عمومی:

بر اساس نتایج پژوهش، راهکارهای کاهش چالش‌های دروس عمومی به شرح زیر

است:

۱. راهکارهای حوزه حرفه‌ای اساتید:

جدول ۵ راهکارهای حوزه حرفه‌ای اساتید

مفهوم	مقوله	تم
تغییر شیوه آموزش‌های قدیمی و به کار بردن روش‌های نوین و جذاب در تدریس از قبیل بارش مغزی، سازنده‌گرایی و ...	راهکارهای مربوط به حوزه روش تدریس	راهکارهای حوزه حرفه‌ای اساتید
جلوگیری از روزانه و عادی شدن تدریس این درس‌ها و تغییر شیوه تدریس عمومی و همگانی آن‌ها.		
ایجاد فرصت یادگیری تلقینی برای دانشجویان.		
آموزش روش نقد و گفتگو در موضوعات علمی و ایجاد پرسش‌های محوری.		
فراهم کردن زمینه‌ی تجربه‌های یادگیری فعالانه و درگیر کردن دانشجو در فرایند آموزش.		
فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب نقد و بررسی مطالب درسی توسط دانشجویان		
حضور همراه با آمادگی کامل در کلاس‌ها.	راهکارهای مربوط به حوزه افزایش توان و دانش علمی اساتید	
کاربردی‌سازی محتواهای درسی.		
ابهام‌زدایی از محتواهای درسی.		
استفاده از اساتید با توان علمی بالا برای تدریس.		

ادامه جدول ۵

مفهوم	مقوله	تم
ایجاد پیش‌زمینه برای تدریس و مشخص کردن اهداف قبل از ارائه.		
بیان انتظارات از دانشجویان در اوایل ترم.		
اختصاص زمان بیشتر برای ارائه کارهای گروهی و عملی.		
ساده‌سازی مطالب توسط اساتید.		
تأکید بر نکته‌های مهم توسط اساتید.		
تغییر نگاه ارزشی اساتید.		
شاگردمحوری.		
راهنمایی دانشجو در رابطه با نحوه مطالعه درس و حل تمرین.		
تعهد استاد نسبت به افزایش کیفیت کار خود.		
محدود نشدن اساتید به چهارچوب کتاب درسی.		
تشریح عقلانی و استدلال آوری در تبیین مفاهیم درسی.		
دوری از حافظه‌محوری، استادمحوری و کتاب‌محوری.		
چندبعدی نگاه کردن به مسائل در هنگام تدریس این دروس.		
زمینه‌سازی جهت درگیر شدن دانشجو با مطالب این دروس.		
کاربردی‌تر کردن استنادها و مطالب تدریس شده.		
پرهیز از تحمیل مطالب		
طبقه‌بندی دروس عمومی بر اساس یک الگو و روش منظم جهت مطالعه بهتر.		
ارتباط‌گیری اساتید این دروس با هم برای هم‌فکری.		
استفاده از منابع متنوع جهت عدم یکنواختی مطالب در دروس مشابه.		
عدم انتخاب منابع درسی سنگین و پر حجم.		

مفهوم	مقوله	تم
میدان ندادن به دانشجویان در بیان مشکلات و نظرات خود.	راهکارهای مربوط به حوزهٔ افزایش تعامل بین استاد و دانشجو	
. برخورد صادقانه و تصحیح نوع رفتار با دانشجو.		
خارج کردن کلاس از حالت جدی با حس شوخ‌طبعی		
ایجاد عوامل انگیزه سازی در دانشجویان		
برقراری ارتباطات علمی غیررسمی بین استادان و دانشجویان.		
انجام ارزیابی‌های مداوم از یادگیری‌ها و ارائه سریع بازخوردها به دانشجویان.		
ارائهٔ مطالب متناسب با سطح درک و نیاز دانشجویان.		
سخت‌گیری کمتر توسط استاد بر دانشجو.		
گوش دادن به سخنان دانشجویان به منظور درک آن‌ها.		
تقویت و تشویق تجربه‌های یادگیری گروهی در دانشجویان		
ایجاد فضای صمیمی و گرم در جلسه امتحان.	راهکارهای مربوط به حوزهٔ نحوهٔ برگزاری کلاس و امتحان	
طراحی سؤال از بحث‌های کلاسی.		
وارد نشدن آزمون‌ها به موارد فرعی و غیرعلمی.		
استفاده از ارزیابی‌های طول ترم و چندجانبه و نه صرف آزمون پایان ترم.		

مصاحبه‌شونده شمارهٔ ۵ در رابطه با راهکارهای حوزهٔ کاری اساتید اشاره می‌کند: «استفاده از اساتید با توان علمی بالا برای تدریس و استفاده از اساتیدی با بیان قوی برای جذب دانشجو به سمت دروس عمومی می‌تواند کارایی دروس عمومی را افزایش دهد.» همچنین مصاحبه‌شونده شمارهٔ ۱۴ می‌گوید: «به کارگیری اساتید باسواد و متخصص در این دروس و اختصاص بیشتر زمان کلاسی برای کارهای گروهی و عملی می‌تواند کارایی این دروس را افزایش دهد.»

۲. راهکارهای حوزهٔ دانشجویی:

جدول ۶ راهکارهای حوزه دانشجویی

مفهوم	مقاله	تم
شناخت نیازهای جدید خود در عصر ارتباطات و تلاش در کاربست دروس عمومی.	راهکارهای مربوط به حوزه علاقه دانشجوی	راهکارهای حوزه دانشجویی
اهتمام دانشجویان به جدی تر گرفته شدن این دروس.		
ارتقای جایگاه و اصلاح دیدگاه خود در خصوص دروس عمومی نسبت به دروس تخصصی دانشگاه.		
مرتب‌سازی دروس عمومی با رشته تخصصی خود.		
ایجاد یکپارچگی بین آموزش و تجربیات زندگی توسط دانشجویان.	راهکارهای مربوط به حوزه نقش زندگی دانشجوی	
شرکت در مباحث و کلاس‌های خارج از برنامه و مرتبط.		
تشریح و کاربردی سازی نقش مسائل دروس عمومی در جنبه‌های مختلف زندگی.		
پررنگ و مهم شدن دروس عمومی در برنامه درسی دانش آموزان توسط مدیران مدارس.	راهکارهای مربوط به حوزه نقش دوران متوسطه و قبل از دانشگاه دانشجویان	
مقدمه بودن دروس عمومی دبیرستان برای دروس عمومی دانشگاه.		
لحاظ کردن امتحان نهایی بر اساس کارهای عملی کلاسی.	راهکارهای مربوط به حوزه تکالیف و آزمون	
سنجش دانشجو بر اساس آزمون‌های مستمر.		
استرس‌زایی از امتحان میان دانشجویان.		
ارزیابی دانشجویان با استفاده از ترکیب آزمون‌های کتبی، شفاهی، عملکردی و کارهای گروهی.		
کاهش تمرکز بر صرف نمره.		
عدم سخت‌گیری اساتید در نمره دهی.		
تأثیر دادن ویژه دروس در محاسبه معدل.		

به عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۴۷ در رابطه با راهکارهای حوزه دانشجویی

می‌گوید: «اگر مسائل دروس عمومی مربوط به زمان حال باشد و در زندگی واقعی کاربرد داشته باشد قطعاً کیفیت دروس عمومی افزایش می‌یابد.» همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۵۳ می‌گوید: «از راهکارهای مؤثر می‌توان ارتباط مختصر بین محتوا دروس عمومی با رشته شغلی دانشجویان و ارائه محتوای جدید و به‌روز و مطابق سلیقه و ایده‌های نسل جدید دانشجویان را بیان کرد.»

۳. راهکارهای مربوط به حوزه کتب درسی و منابع:

یکی از مسائل مهمی که همواره افکار فلاسفه تعلیم و تربیت، کارشناسان تعلیم و تربیت و دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی را به خود مشغول داشته، محتوا و متون آموزشی است. در این راستا کتب درسی به علت اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و متون آموزشی دارند کانون توجه هستند (قورچیان، نادر قلی؛ ۱۳۷۲، ص. ۸۸) مصاحبه‌شونده شماره ۷ می‌گوید: «برای افزایش کارایی دروس عمومی بهتر است صفحه‌آرایی و حروف چینی کتب به شکل جذاب‌تری انجام شود و از آوردن یک مطلب تکراری در چندین درس مختلف خودداری شود.» همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ می‌گوید: «برای مطالب تکراری در دروس عمومی می‌توان از منابعی استفاده کرد که در جهت موضوع از تنوع برخوردار باشد و برای مطالب بدون کاربرد می‌توان از کتاب‌هایی استفاده کرد که در زندگی ما کاربرد داشته باشد.»

جدول ۷ راهکارهای مربوط به حوزه کتب درسی و منابع دانشگاهی

مفهوم	مقاله
حذف مطالب تکراری و اضافی در کتب دروس عمومی	راهکارهای
استفاده از گزاره‌ها و محتوای کاربردی در متون دروس	مربوط به حوزه
شرح مفهوم جملات پیچیده	کتب درسی و
صفحه‌آرایی و حروف چینی کتب به شکل جذاب‌تر	منابع
جذاب و بحث‌برانگیز کردن محتواها	
مهارتی نمودن محتوا (تصمیم‌گیری، حل مسئله و ...)	
تکراری نشدن سرفصل‌های مشترک در دروس عمومی	
سطح‌بندی و درجه‌بندی مفاهیم دروس عمومی از مقطع راهنمایی تا آخر دانشگاه	
تأثیر دادن نظر دانشجویان در تعیین محتوای کتب درسی	
به‌روز کردن مطالب کتاب با توجه به مسائل روز جوانان و جامعه امروزی	
خلاقیت محور شدن و منطقی سازی مطالب کتاب‌ها	
نقد دیدگاه‌ها و نظریه‌های بیان‌شده در کتب دروس عمومی	
بازنگری در عناوین دروس عمومی دانشگاهی	

۴. راهکارهای مربوط به حوزه نقش دانشگاه در افزایش کیفیت دروس عمومی: آنچه از دانشگاه در مسیر رفع چالش‌های دروس عمومی انتظار می‌رود، در چند حوزه است که شامل فراهم نمودن فناوری‌ها، نقش مسئولان و نحوه برگزاری کلاس‌ها، است.

جدول ۸ راهکارهای مربوط به حوزه نقش دانشگاه در افزایش کیفیت دروس عمومی

تم	مقوله	مفهوم
	راهکارهای مربوط به حوزه فناوری‌ها	تلفیق محتوای دروس با فناوری‌های جدید و به کارگیری فناوری‌های آموزشی.
		برگزاری کلاس‌های دروس عمومی به صورت مولتی‌مدیا.
		ضبط نمودن کلاس و تدریس حضوری به منظور استفاده مجدد دانشجویان.
راهکارهای مربوط به نقش دانشگاه در ارائه دروس عمومی	راهکارهای مربوط به نقش دانشگاه در ارائه دروس عمومی	یکسان‌سازی دروس عمومی دبیرستان با دروس عمومی دانشگاهی
		کاهش تعداد واحدهای دروس عمومی.
		طبقه‌بندی دروس بر اساس چالش‌های موجود در جامعه.
		متنوع کردن واحدها جهت انتخاب آن‌ها توسط دانشجو و بر اساس علاقه.
		پژوهش و پروژه‌سازی دروس عمومی.
		تلاش برای برگزاری هر درس عمومی برای دانشجویان در یک‌رشته و ورودی به طور خاص.
راهکارهای مربوط به حوزه نقش مسئولان دانشگاه	راهکارهای مربوط به حوزه نقش مسئولان دانشگاه	تربیت اساتید بامهارت و تخصص کافی در دروس عمومی.
		تعیین راه‌حل‌های کوتاه و بلند برای حل مشکلات دروس عمومی.
		ارتقای جایگاه دروس عمومی در حوزه دانشگاهی.
		ایجاد دروس عمومی جدید با توجه به نیازهای روز.
		پایین آوردن هزینه اخذ واحدهای عمومی.
		افزایش اهمیت به اساتید و افزایش حقوق اساتید دروس عمومی.
		اعلام واضح و روشن اهداف برنامه‌های درسی عمومی به دانشجویان.

مفهوم	مقوله	تم
پراهمیت جلوه دادن مطالب مفید دروس عمومی در ذهن دانشجویان.		
سعی در ایجاد زنجیره دروس مربوط به هم در طول کل تحصیل دانشجو.		
کاهش جمعیت کلاس‌های دروس عمومی.		
استفاده از اساتید هیئت علمی دانشگاه به جای استفاده از اساتید حق‌التدریس.		
تفکیک نمودن دانشجویان مذاهب مختلف در درس معارف.		
بهبود فضای فیزیکی کلاس در دانشگاه.		
نظارت و حساسیت لازم و کافی در مورد کیفیت تدریس توسط واحد آموزش دانشگاه.		
ارزشیابی اساتید دروس عمومی.		
ارائه هر درس توسط استاد مربوط به آن حیطه.		
برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای استادان و ارائه جدیدترین شیوه‌های تدریس به آنان.		
نیازسنجی از دانشجویان و دخیل کردن نیاز و شرایط دانشجویان در تهیه، ارائه و ارزشیابی محتوای دروس عمومی.		
افزایش تعداد اساتید جهت افزایش تعداد کلاس.		
تخصیصی‌تر ارائه شدن دروس عمومی در دانشگاه.		
کاهش زمان کلاس‌های عمومی به منظور افزایش کیفیت آن‌ها.	راهکارهای مربوط به حوزهٔ نقش دانشگاه در نحوهٔ برگزاری کلاس‌ها	
ارائه دادن این دروس در قالب ضمن خدمت‌ها و یا دوره‌ها برای بیشتر متمر ثمر واقع شدن این دروس.		
. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مرتبط با دروس عمومی.		
استفاده از تابلوها و بروشورها در خوابگاه‌ها و کلاس درس در باب آموزش مسائل دروس عمومی به دانشجویان.		
برگزاری همایش‌ها و اردوهای دانشجویی جهت متنوع کردن جو کلاس.		

به عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ در رابطه با راهکارهای نقش دانشگاه می‌گوید: «جمعیت کلاس‌ها کنترل شده باشد و برای مشارکت بیشتر، دانشجویان از یک رشته باشند و تعداد واحدها را کمتر کنند و برای چند واحد باقی مانده زمان کافی گذاشته شود تا مطالب به خوبی مبادله شوند».

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف تحلیل چالش‌های دروس عمومی دانشگاهی از نگاه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر کتب درسی دانشگاهی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در استان کردستان و ارائه راهکارهایی برای کاهش این چالش‌ها انجام گردید.

در پاسخ به سؤال اول دال بر اینکه چالش‌های دروس عمومی دانشگاهی از منظر دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان کردستان را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ می‌توان گفت که چالش‌های دروس عمومی در چهار چالش حاصل شدند. چالش اول، چالش‌های مربوط به حوزه حرفه‌ای اساتید، چالش دوم، چالش‌های مربوط به حوزه حرفه‌ای دانشجویان، چالش سوم مربوط به حوزه محتوای کتب درسی دانشگاهی و منابع دروس عمومی و چالش چهارم، چالش‌های مربوط به حوزه نقش دانشگاه در دروس و منابع درسی دانشگاهی عمومی بود. هر کدام از چالش‌ها هم به زیرمجموعه‌هایی تقسیم شدند.

دسته اول چالش‌ها با عنوان چالش‌های مرتبط به حوزه حرفه‌ای اساتید، شامل چهار مقوله و چندین مفهوم است: دسته اول؛ مربوط به حوزه روش تدریس است. در این دسته از چالش‌ها دانشجویان از روش‌های تدریس اساتید ابراز نگرانی کرده و چالش‌هایی چون بهره‌وری از شیوه‌های تدریس قدیمی، استاد محوری، عدم توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان در تدریس و روش‌های یادگیری و تدریس سطحی اساتید را مطرح کردند. دسته دوم، سطح علمی و دانش اساتید است؛ یعنی آن‌ها بین روش تدریس و سطح علمی اساتید تفاوت قائل بوده و در این دسته، مواردی چون عدم توانایی برخی اساتید در ارائه مناسب محتوا، کم‌توانی اساتید در پاسخگویی به سؤالات دانشجویان، بیان نکردن ارزش و هدف مطالب آموزشی و بی‌انگیزگی علمی اساتید در تدریس دروس عمومی مطرح گشت. دسته سوم تعامل بین دانشجو و استاد در کلاس و خارج از آن است. آنچه که دانشجویان در این بخش عنوان کردند، شامل عدم جذابیت کلاس برای دانشجو به علت جدیت‌ها و سخت‌گیری‌های زیاد و نامرتب اساتید و خوش خلق نبودن اساتید با همه

دانشجویان، بود. دسته آخر، نحوه برگزاری کلاس‌ها است. از نظر آن‌ها، برخی از رده‌های دروس عمومی، صرفاً به صورت صوری برگزار می‌شوند. در نتیجه، کلاس‌ها به صورت خسته‌کننده، طولانی و بی‌روح استمرار دارند. محور اصلی چالش‌های ارائه دروس عمومی از نظر دانشجویان اساتید بودند نه کتب درسی دانشگاهی، زیرا آن‌ها هستند که درس‌ها و محتویات آن کتب را کاربردی، جذاب و یا غیر کاربردی و غیر جذاب می‌کنند. به علت وجود همین چالش است که برخی از دانشجویان دید منفی نسبت به این دروس داشته و یا حتی آن را امری تکراری و خسته‌کننده می‌دانند که با دروس تخصصی بسیار متفاوت بوده و عملاً مشکلی را در زندگی‌شان برطرف نمی‌کند.

دسته دوم چالش‌ها، با عنوان چالش‌های مربوط به دانشجویان، خود شامل پنج دسته است. دسته اول، زندگی دانشجویان است. از نظر آن‌ها، دروس عمومی اثربخشی کمی در زندگی دانشجویان دارد؛ چراکه این دروس مهارت‌های زندگی را به دانشجویان آموزش نمی‌دهد و متناسب با سن و شرایط آن‌ها نیست و البته خود دانشجویان هم چندان اهل مطالعه در این زمینه نیستند. دسته دوم، رشته تحصیلی دانشجویان است. این دروس با رشته تخصصی و اصلی برخی از دانشجویان بی‌ارتباط است و از این رو، آن‌ها دروس تخصصی را بر دروس عمومی ترجیح می‌دهند. دسته سوم، تأثیر دوران قبل از دانشگاه دانشجویان است. برخی از دانشجویان بیان کرده‌اند که محتوای کتب دروس عمومی در دوران مدرسه و دانشگاه دارای هم‌پوشانی و یا تکرار موضوع هستند. دسته چهارم، نقش میزان و کیفیت تکالیف، امتحان و نمره‌ی این دروس است. در این بین، دانشجویان چالشی چون پایین آوردن معدل نهایی دانشجویان و سنجش و ارزشیابی پایانی متمرکز بر حافظه محوری را بیان کردند. دسته پنجم، انگیزه و ذهنیت دانشجویان در رابطه با محتوای کتب دروس عمومی است. به گفته دانشجویان بخش عظیمی از دروس عمومی به دانشجویان بدون ایجاد درکی عمیق از آن‌ها دیکته می‌شوند و دانشجویان نسبت به این دروس علاقه و انگیزه‌ای ندارند که عوامل مختلفی همچون کاهش عمومی شاخصه‌های دین‌داری در سطح جامعه، در این امور مؤثر هستند.

دسته سوم از چالش‌ها با عنوان چالش‌های مربوط به حوزه محتوای کتب و منابع دروس عمومی در ۲۰ مورد است. آنچه که دانشجویان بیان کردند موارد زیادی را در برمی‌گیرد. مواردی شامل: بالا بودن سطح مطالب و حجیم بودن کتب درسی دانشگاهی، به‌روز نبودن برخی از این کتب درسی، پیچیده بودن مطالب، تشابه زیاد بین مطالب و

تکراری بودن در مقاطع مختلف، خسته کننده بودن این دروس و تعدد زیاد دروس عمومی بدون داشتن تنوع بودند. البته باید افزود که دانشجویان اخیر در مقایسه با دانشجویان دهه‌های گذشته نیز کمتر اهل مطالعه و پژوهش بوده و در سایه‌سار تنوع رسانه‌ها، دچار نوعی متن‌گریزی نیز شده‌اند.

چهارمین دسته از چالش‌ها با عنوان چالش‌های مربوط به حوزه نقش دانشگاه در دروس عمومی است. این دسته خود شامل سه مقوله و چند مفهوم است. دسته اول، فناوری است. دانشجویان وجود مشکل فنی و ابزاری و یا عدم تسلط اساتید در استفاده از فناوری‌ها در تدریس این دروس را عنوان کردند چیزی که باعث کاهش نقش کتب درسی دانشگاهی این حوزه شده است. دسته دوم، کیفیت و کمیت انتخاب واحد این دروس است. در این بخش، آنچه مدنظر دانشجویان بود، شامل زیاد بودن تعداد دروس عمومی، نامتناسب بودن ساعات اختصاص یافته به بعضی از دروس با حجم کتب آن درس، عدم اختیار دانشجو در انتخاب میان دروس عمومی، داشتن محتوای یکسان در کل کشور و عامل دیر اخذ نمودن واحدهای تخصصی توسط دانشجویان بود. البته برخی از آن‌ها به وضوح بین دروس عمومی، تربیتی و معارف اسلامی خلط داشتند و نمی‌توانستند بین آن‌ها تفکیک قائل شوند. دسته سوم، نقش مسئولان دانشگاه هستند. از نظر دانشجویان، این مسئولان دانشگاه هستند که در برنامه‌ریزی این دروس مشکل دارند. برنامه‌هایی از قبیل تعداد زیاد دانشجویان در یک کلاس، تداخل کلاس‌ها به علت تعریف دروس عمومی هم‌زمان، عدم استخدام عضو هیئت علمی برای ارائه‌ی دروس عمومی، حضور دانشجویان رشته‌های مختلف در یک کلاس و عدم نیازسنجی از دانشجویان در تهیه محتوای آموزشی دروس عمومی.

اما توجه به این نکته لازم است که با توجه به کیفی بودن رویکرد پژوهش حاضر، وزنه نگرش مشارکت کنندگان به صورت کمی و آماری بیان نشده و تنها تلاش شد تا تفسیر و نگرش روایی آن‌ها شناسایی شود. لذا به بیان چالش‌های مختلف در دروس عمومی اشاره شدند. این چالش‌ها یکدست نیستند؛ یعنی با توجه به تفاوت نظر مشارکت کنندگان، تفاوت در کتب درسی دانشگاهی و متفاوت بودن عملکرد اساتید و دانشگاه‌ها، با گستره‌ای از تفاوت‌ها مواجه هستیم؛ اما بهره‌وری از شیوه‌های تدریس قدیمی و یکنواخت در تدریس اساتید، استاد محوری، بی‌رغبتی دانشجو برای شرکت در کلاس‌های عمومی، بالا بودن سطح مطالب و حجیم بودن آن‌ها در کتب درسی دانشگاهی،

پیچیده بودن مطالب کتاب‌های درسی، بیان نقدهای ساده در مورد دیدگاه‌های پیچیده علمی در کتاب‌های درسی دانشگاهی، عدم اختیار دانشجو در انتخاب میان دروس عمومی و وجود محتوای مشابه در کتب مختلف دروس عمومی از پر تکرارترین مفهومی‌های استخراج شده از میان صحبت‌های مشارکت کنندگان بود.

یافته‌های این بخش از پژوهش، با یافته‌های عزیزی و همکاران (۱۳۹۴) سازگار است؛ چرا که در هر دو پژوهش بیان شده است که محتوای دروس عمومی، تدریس و ارزشیابی این دروس دارای اشکال است. با این حال، در این مقاله به موارد دیگری هم اشاره شده است؛ چون مسئولان دانشگاه و دیدگاه دانشجویان نسبت به این دروس که در پژوهش عزیزی و همکارانش به آن اشاره‌ای نشده است.

در پاسخ به سؤال دوم، دال بر این که راهکارهای کاهش چالش‌های مترتب بر دروس عمومی دانشگاهی از منظر دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ می‌توان گفت که این راهکارها مطابق با چالش‌ها، در چهار تم اصلی دسته‌بندی شده‌اند، حوزه اول، راهکارهای مربوط به حوزه حرفه‌ای اساتید، حوزه دوم، راهکارهایی برای تغییر نگرش دانشجویان نسبت به محتویات کتب دانشگاهی دروس عمومی، حوزه سوم، راهکارهای مربوط به حوزه کتب درسی دانشگاهی و منابع و حوزه آخر، راهکارهای مربوط به حوزه نقش دانشگاه در افزایش کیفیت دروس عمومی است.

حوزه اول، راهکارهای مربوط به حوزه حرفه‌ای اساتید در دانشگاه فرهنگیان است که خود شامل چهار مقوله و چندین مفهوم هستند و بیشترین توجه را به خود از منظر دانشجویان جلب کرده است: دسته اول، روش تدریس کتب درسی دانشگاهی است. در این دسته از اساتید خواسته شده است تا شیوه آموزش قدیمی خود را تغییر داده و به روش‌های نوین روی بیاورند و با ایجاد فرصت یادگیری تلفیقی برای دانشجویان، آن‌ها را در این امر شریک سازند. دسته دوم، افزایش توان و دانش علمی اساتید نسبت به محتویات کتب درسی دانشگاهی است. بدین منظور، از آن‌ها خواسته شده است تا همراه با آمادگی کامل در کلاس‌ها حضور داشته باشند و نگاه ارزشی خود را تغییر دهند و شاگرد محوری، ساده‌سازی مطالب توسط اساتید و تعهد استاد نسبت به افزایش کیفیت کار خود را جایگزین کنند. دسته سوم، افزایش تعامل بین استاد و دانشجو است. از مواردی که در این دسته مطرح گشته است می‌توان برخورد صادقانه و تصحیح نوع رفتار با دانشجو، خارج

کردن کلاس از حال جدی با حس شوخ طبعی، برقراری ارتباطات علمی غیررسمی بین استادان و دانشجویان و گوش دادن به سخنان دانشجویان به منظور درک آن‌ها اشاره کرد. دسته چهارم، نحوه برگزاری کلاس و امتحان توسط استاد است. در این مورد دانشجویان، ایجاد فضای صمیمی و گرم در جلسه امتحان، طراحی سؤال از بحث‌های کلاسی، وارد نشدن آزمون‌ها به موارد فرعی و غیرعلمی و همچنین استفاده از ارزیابی‌های طول‌ترم و چندجانبه و نه صرف آزمون پایان‌ترم را پیشنهاد دادند.

حوزه دوم، راهکارهایی برای تغییر نگرش دانشجویان نسبت به دروس عمومی هستند. این مورد نیز خود به چهار مقوله تقسیم می‌شوند: دسته اول، مربوط به علاقه‌ی دانشجو است. در این بخش، دانشجویان از هم‌کیشان خود خواسته‌اند تا در جدی گرفتن دروس عمومی اهتمام خود را به کار گیرند. همچنین آن‌ها گزاره‌ای با عنوان ارتقای جایگاه و اصلاح دیدگاه خود در خصوص دروس عمومی نسبت به دروس تخصصی دانشگاه‌ها را نیز بیان کردند. دسته دوم نقش زندگی دانشجو است. در این نقش، دانشجویان پیشنهاد یکپارچگی بین آموزش و تجربیات زندگی، تبیین نقش دروس عمومی در جنبه‌های مختلف زندگی برای خود را داشتند. دسته سوم، نقش دوران متوسطه و قبل از دانشگاه دانشجویان است. در این باره باید دروس عمومی در برنامه درسی دانش‌آموزان توسط مدیران مدارس پررنگ شود. همچنین در طراحی محتوای کتب درسی، دروس عمومی دبیرستان، باید به گونه‌ای طراحی شوند که مقدمه‌ای برای دروس عمومی دانشگاه باشند. دسته چهارم نقش امتحان، تکالیف و نمره است. دانشجویان در این باره اذعان داشتند که سنجش بر اساس آزمون‌های مستمر و کارهای عملی، استرس‌زایی از امتحان و کاهش تمرکز صرف بر نمره، می‌تواند عملکرد دانشجویان در این دروس را بهبود بخشد.

حوزه سوم، راهکارهای مربوط به حوزه کتب درسی دانشگاهی و منابع است، شامل ۱۳ مورد است: پرتکرارترین گزاره‌هایی که دانشجویان اعلام داشتند، حذف مطالب تکراری و اضافی در دروس عمومی، حذف بخشی از صفحات برای جلوگیری از ارائه حجم زیاد کتاب و بازنگری در عناوین دروس عمومی، همچنین خلاقیت محور شدن و منطقی سازی مطالب کتاب‌ها، به‌روز کردن مطالب روز با توجه به مسائل روز جوانان و جامعه امروزی بود.

سرانجام، حوزه چهارم، راهکارهای مربوط به حوزه نقش دانشگاه فرهنگیان در افزایش کیفیت دروس عمومی است که خود شامل چهار دسته است: دسته اول فراهم

نمودن فناوری است. پیشنهاد دانشجویان این بود که محتوای دروس عمومی با فناوری‌های جدید تلفیق گردد و از فناوری‌های آموزشی در تدریس کتب درسی دانشگاهی استفاده شود. همچنین برگزاری کلاس‌های دروس عمومی به صورت مولتی‌مدیا می‌تواند مؤثر باشد. دسته دوم برطرف کردن مشکلات انتخاب واحد در دانشگاه است. از مهم‌ترین راهکارهای دانشجویان در این بخش، کاهش تعداد واحدهای دروس عمومی در دانشگاه فرهنگیان و متنوع کردن واحدها جهت انتخاب آن‌ها توسط دانشجومعلم‌ان بود. دسته سوم، نقش مسئولان دانشگاه است. دانشجویان ۲۰ راهکار را برای این بخش بیان کردند. از قابل‌بحثی‌ترین‌های این بخش می‌توان راهکار دانشجویان مبنی بر تربیت اساتید با مهارت و تخصص کافی در دروس عمومی، ایجاد دروس عمومی جدید با توجه به نیازهای روز، پایین آوردن هزینه اخذ واحدهای عمومی، افزایش حقوق اساتید دروس عمومی و کاهش جمعیت کلاس‌های دروس عمومی را نام برد. دسته آخر، نحوه برگزاری کلاس‌ها است. دانشجویان در این بخش پیشنهاد کردند که کاهش زمان کلاس‌های عمومی، ارائه این دروس در قالب ضمن خدمت و برگزاری کارگاه و همایش‌های مربوط به دروس عمومی باشد.

یافته‌های این بخش از پژوهش، با یافته‌های مصرابادی و همکاران (۱۳۸۹) سازگار است؛ از این رو که این پژوهش نیز به بی‌انگیزگی دانشجویان نسبت به دروس عمومی اشاره شده است و در آنجا درخواست مطالعات بیشتر در این زمینه از سوی محققان صادر شده است. همچنین در این پژوهش خواسته شده تا در زمینه محتوا، شیوه‌های تدریس و دیگر متغیرهای تأثیرگذار اصلاحاتی صورت گیرد.

یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش کوان لی (۲۰۱۸) سازگاری دارد چراکه در هر دو پژوهش اشاره شده است که باید مفهوم آموزش عمومی روشن شود. اساتید و کتاب‌های درسی باید اهداف خود را از آموزش دروس عمومی روشن کنند. اساتید و کتاب‌های درسی باید اطلاعات به‌روز و تازه را در اختیار دانشجویان قرار دهند. دانش‌آموزان باید بتوانند از دروس عمومی در زندگی خود به صورت عملی استفاده کنند. اساتید باید با انواع روش‌های تدریس آشنا باشند.

پژوهش حاضر با بررسی چالش‌های دروس عمومی و کتب درسی دانشگاهی در دانشگاه فرهنگیان، دیدگاهی باز تر برای نقد و بررسی اثرگذاری این دروس بر دانشجویان در اختیار برنامه‌ریزان درسی می‌گذارد تا با کمک آن بتوان تغییرات مفید و مناسبی در دروس عمومی ایجاد کرد. همچنین این پژوهش بایان راهکارهایی در رابطه با رفع

چالش‌ها توانسته است نقش خود را در بهبود کیفیت دروس عمومی ایفا کند. به منظور کیفیت‌بخشی دروس عمومی، پیشنهاد این پژوهش اهمیت دادن به نقش اساتید، انگیزه دانشجویان، تغییرات اساسی در کتاب‌ها با توجه به نسل امروز و اهمیت دادن به نقش دانشگاه و مسئولین است. بینش‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر می‌توانند دلالت‌های نظری و علمی درخور توجهی را برای تدوین استانداردهای علمی برای تهیه کتب دانشگاهی در حوزه دروس عمومی دانشگاهی در ایران داشته است.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌ها در دو تم اصلی چالش‌ها و راهکارهای دروس عمومی دانشگاهی، ابتدا باید نقش و نگرش اساتید دروس عمومی در دانشگاه‌ها مورد توجه و تمرکز بیشتر قرار گیرد تا آن‌ها نیز به این دروس توجه بیشتری داشته باشند. از جمله آن‌ها می‌توانند در تدوین محتوای این دسته از دروس مشارکت کنند. شناسایی چالش‌های این دروس و منابع دانشگاهی آن از منظر دانشجویان این دروس را باید جدی‌تر گرفت. همچنین لازم است در این دروس از روش تدریس‌های جدیدتر و فناوری‌های جدید روز استفاده شود. علاوه بر این مسئولان دانشگاه باید نظارت بیشتری بر عملکرد اساتید در دروس عمومی، انتخاب واحد و همچنین کنترل ظرفیت کلاس‌ها داشته باشند. هر چه کلاس درس جمعیت کمتری داشته باشد و دانشجویان این دروس، هم رشته باشند، احتمالاً عملکرد کلاس درس و بازده آن بیشتر می‌شود. اساتید، دانشجویان، مسئولان دانشگاه و همچنین مؤلفین کتب درسی دانشگاهی در دروس عمومی با یکدیگر تعامل و همکاری بیشتری داشته باشند و در رفع چالش‌ها و به‌کاربردن راهکارها به یکدیگر کمک کنند. لازم است تا مؤلفین کتب درسی، از به‌کاربردن موارد تکراری و نامرتب با زندگی روزمره دانشجویان پرهیز کنند. کتب درسی دانشگاهی در حوزه دروس عمومی باید خالی از ابهام و به‌دوراز مطالب پیچیده و تکراری باشد، کاربردی و به‌روز بوده و سیر تکاملی و هم‌پوشان داشته باشند، با توجه به نیازها و بعد از نیازسنجی از نسل جوان نوشته شوند، نگاهی به نگرش‌ها، محتوا و روش‌های آموزشی جهانی در این زمینه داشته باشند. همواره محتوای آن‌ها توسط متخصصین امر، مورد تحلیل، نقد و ارزیابی قرار گیرند. چراکه بیان نقدهای علمی درست درباره دیدگاه‌های مهم علمی در دروس عمومی و کتب این دورس، دانشجویان را به بررسی این کتب علاقه‌مند می‌سازد. همچنین لازم است این دسته از کتب، به صورت گروهی

نوشته شده و از تنوع آراء برخوردار باشد، سازمان‌دهی عمودی و افقی باید در کتب درسی دروس عمومی لحاظ شود و مطالب در ارتباط باهم و به منظور تکمیل گفته‌های یکدیگر باشند و در پایه‌های مختلف، محتوایی یکسان و مشابه نداشته باشند. تمرین‌های عملی و کاربردی داشته و از تنوع رنگ و تصاویر بهره ببرند. این امر از این روست که دانشجو معلمان باید وقت خود را روی مطالبی بگذارند که برای آینده شغلی آن‌ها و فضیلتی که بر عهده دارند، مناسب باشد و آن‌ها را در عملی کردن اهداف کتب درسی دانشگاهی هدایت کنند. پس بهتر است دروس عمومی بیشتر مناسب فضای زندگی امروزه شود و برای آیندگان نیز مناسب باشد. علاوه بر این، با انجام تحقیقات توصیفی مدت‌دار، می‌توان اطلاعات بیشتری در این زمینه به وجود آورد.

این پژوهش هم‌مانند هر پژوهشی در روند اجرا، همواره با مشکلاتی مواجه بود از جمله، کمبود پژوهش‌های علمی دانشگاهی صورت گرفته در این زمینه. همچنین احتیاط زیاد دانشجویان در مشارکت در این پژوهش، روند کار را با مشکل همراه کرد.

منابع

- آخوندی، فاطمه؛ هاشمی، سهیلا و ایزدی، صمد (۱۳۹۱)، بررسی میزان تحقق اهداف آموزشی واحدهای درسی عمومی دوره کارشناسی (حیطه معارف اسلامی) و چالش‌های آن از منظر اساتید و دانشجویان دانشگاه مازندران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، (پایان‌نامه).
- آریانی، رویا (۱۳۹۶)، «واژه‌شناسی دانشگاه»، نشریه دانشجویی یادگار، دوره ۱۳۹۶، شماره ۱، ص ۴.
- امیدی، محمود؛ نجفی، حسن و سبحانی نژاد، مهدی (۱۳۹۵)، ارزشیابی برنامه درسی دروس عمومی معارف اسلامی دانشگاهی به منظور ارائه راهکارهای کیفیت‌بخش، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره دوازدهم، شماره ۴، ص ۲۱۷-۲۳۵.
- برنامه درسی رشته امور تربیتی (۱۴۰۰)، مقطع کارشناسی پیوسته، گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم، ویژه دانشگاه فرهنگیان، ص: ۸-۱۴.
- جعفری هرندی، رضا و بهرامی، سوسن (۱۴۰۱)، «ارزیابی میزان انطباق برنامه درسی قصدشده در کتاب اخلاق اسلامی با برنامه درسی اجراشده و کسب‌شده در دانشگاه‌ها»، دوفصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۲۶، شماره ۵۱، ص: ۳۲۱-۳۴۳.
- doi/10.30487:RWAB.2023.563123.1534.
- روحانی، علی و فرهنگ جو، مریم (۱۳۹۵)، «نقد و ارزیابی کتاب زبان انگلیسی عمومی دانشگاه پیام نور»، دوفصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۲۰، شماره ۳۳، پیاپی ۳۸، ص ۱۱۴-۱۳۱.
- شیردل، میلاد؛ صالحی، کیوان و قدیریان، هاجر (۱۴۰۱)، «شناسایی ملاک‌ها و نشانگرهای اصیل‌نویسی در نگارش علمی دانشگاهی»، دوفصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۲۶، شماره ۵۱، ص ۱-۲۴.

عارفی، محبوبه؛ قهرمانی، محمد و رضایی زاده، مرتضی (۱۳۸۷)، «ضرورت و راهکارهای بهبود برنامه درسی دروس عمومی دوره کارشناسی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی»، *مطالعات برنامه درسی*، شماره ۱۰، ص ۹۴-۱۲۹.

عزیزی، یعقوب؛ صادقی، علیرضا؛ عبداللهی، حسین (۱۳۹۵)، «ارزشیابی کیفیت درونی برنامه درسی دروس عمومی دوره کارشناسی از دیدگاه اساتید و دانشجویان»، *پژوهش های کیفی در برنامه ریزی درسی*، شماره ۲، ص ۱-۲۴.

فتحی واجارگاه، کورش و شفیعی، ناهید (۱۳۸۶)، «ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (مورد برنامه درسی آموزش بزرگسالان)»، *مطالعات برنامه درسی*، شماره ۵، ص ۱-۲۶.

فیروزی، رضا (۱۳۹۴)، «آسیب شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاه های دانشجویان علوم پزشکی ارومیه در دوره های دکتری حرفه ای»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال نوزدهم، شماره ۲، ص ۱۵۱-۱۷۱.

قاسم پور، عرفانه؛ حکیم زاره، رضوان؛ ملکی پور، احمد و قاسم پور، احترام (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی دروس عمومی کارشناسی در دانشگاه های میسوری، یوسی داویس، بیروت و تهران»، *فصلنامه پژوهش های کیفی در برنامه درسی*، سال اول، شماره ۲، ص: ۴۵-۲۵.

کریمی، صدیقه و مصطفی، شریف (۱۳۹۳)، «چالش های آموزش عالی در تدوین محتوای برنامه درسی با رویکرد جامعه یادگیری»، *رویکردهای نوین آموزشی*، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۱۹، ص: ۱۰۷-۱۴۲.

گودرزی، محمود و دهقان قهفرخی، امین (۱۳۹۹)، «آسیب شناسی اجرای دروس تربیت بدنی عمومی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی»، *پژوهش در آموزش علوم ورزشی*، شماره ۱، ص: ۲۱-۵۱.

مصرآبادی، جواد؛ احمدی، زینب و عرفانی آداب، الهام (۱۳۸۹)، «خوشه های انگیزشی دانشجویان در دروس عمومی تربیتی و اختصاصی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان»، *پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۸، ص ۵۷-۷۲.

Qun Li. (2018), Study on the College English Curriculum from the Perspective of General Education, Theory and Practice in Language Studies, Vol. 8, No. 7, pp. 836-840, July 2018, DOI: <http://dx.doi.org/10.17507/tpls.0807.15>

Vladimir GARKOV& Mary Baldwin College. (2006), Problems of the general chemistry course and possible solutions: The 1-2-1 general/organic/general curriculum and its challenge, Chemistry, Vol. 15, Iss. 2 (2006), p 86-100.

WORLD CONFERENCE ON HIGHER EDUCATION, (1998), Speech of Mr Carl Tham, Higher Education in the Twenty-first Century, Vision and Action, UNESCO, Paris, 5-9 October 1998.